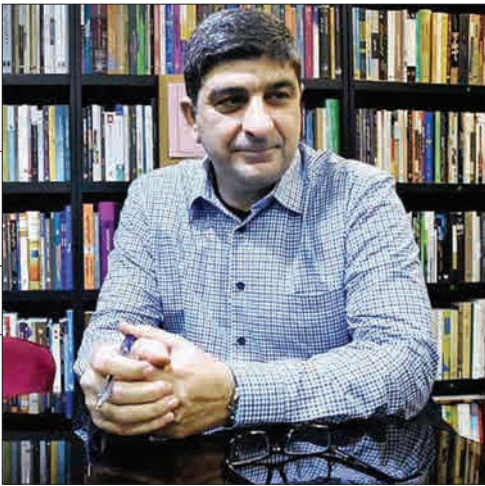


غلط بنویسیم؟

◀ تازه‌ترین رمان مستور در حالی در عرض یک ماه به چاپ چهارم رسیده که انتقادهای فراوانی در فضای مجازی به غلط‌های املایی آن مطرح است...

#معصومیت



(توجه:با خواندن این مطالب،ماجرای رمان لونمی رود.)

«معصومیت»مصطفی مستور اواخر شهر بور ماه امسال با تیراژ ۴هزار نسخه چاپ وهمان هفته اول تمام شد. چاپ‌های بعدی هم پشت سر هم منتشر شدند و کار به جایی کشید که در همین یک ماه، سه چاپ دیگر از این کتاب هم تمام شد.البته دور از ذهن نیست. نویسنده «روی ماه خداوند را ببوس» در همان ابتدای دهه۸۰مقبول بخشی از جوانان شد که دوست داشتند دغدغه‌های فکری و مذهبی خود را در دنیای جدید دنبال کنند.مستور به شیوه‌ای داستانی برای این گروه حرف‌هایی داشت وطبیعتا مخاطبانی یافت.با این حال، جدیدترین رمانش با عنوان «معصومیت» نقدهای فراوانی را از سمت همان مخاطبان به دنبال داشته.راوی رمان، به عمد غلط می نویسد: «به خصوص به جای به خصوص، ملهقی به جای ملحق، تراوت به جای طراوت، بی نفس به جای بی نقص و...» حتی با این که در رادبو کار می کند، هنوز نمی داند «ضبط» را نباید «ضبت» نوشت! با وجود این انتقادات، رمان جدید مستور همچنان علاقه‌مندانی هم داشته و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اظهار نظرهای مثبتی هم درباره کتابش وجود دارد. در این ستون بعضی از این کامنت‌ها را مرور کرده ایم.

➤ **#** در پاسخ به دوستانی که نسبت به غلط‌های املایی پشت جلد یا عنوان کتاب دچار ابهام شده یا توضیح خواسته‌اند، یادآور می‌شویم این غلط‌های املایی عمدی و مربوط به ساختار داستان و شخصیت راوی است و بدیهی است با خواندن کتاب،ابهام‌به‌وجود آمده،برطرف خواهدشد.

➤ **#** رمان جدید مصطفی مستور با زبانی محاوره آغاز می‌شود و غلط‌هایی عمدی که نوعی منطق سردستی هم‌البته برای آنها تراشیده شده!منطق نویسنده هم این است که راوی اوقفط ۱۰ کلاس درس خوانده‌و عاشق نوشتن است،اما املای خوبی ندارد!

➤ **#** معصومیت یا به نوشته کتاب «معصومیت»، آخرین کتاب مستور عزیز رو دو سه روزه تموم کردم. مثل همیشه، حال نویسنده روز از زبان شخصیت اصلی، می‌شه فهمید که هم راوی کتابه هم نویسنده است. ماز یار، آدم متواضعیه که به اصرار دوستش دست به قلم برده یا کلی غلط املایی. شاید مستور می‌خواد بگه دیکته کلمات مهم نیست، بلکه پاکی و صمیمیت کلمه و حس پشت کلمات مهمه. شاید یه جور خستگی از تکرار کلمات تو کشیده باشه. یه جور عصیان از هر چی که هست.

➤ **#** مصطفی مستور ۱۰ سال است که تمام شده، ولی نه خودش و نه طرفدارانش نمی‌خواهند این حقیقت را قبول کنند! کتاب‌هایش پر فروش‌اند؟ خب باشند، این دلیل نمی‌شود...مستور با این که خیلی وقت‌است تمام شده ولی همچنان می‌فروشد، به پشتوانه کارهای متفاوتش در دهه هشتاد.افول مستور از «تهران در بعدازظهر» شروع شد، با «بهترین شکل ممکن» نمود پیدا کرد و حالا... حالا یک بازی عجیب‌تر در کتاب جدید که از قصدا ملای تعدادی از کلمات را غلط بنویسم! این هم شد خلاقیت!؟

➤ **#** از مقاله‌ای که مستور تحت عنوان «سلینجر و ژرف‌نگاری معصومیت» نوشته، به‌خوبی پیداست که ذهن مستور سال‌هاست در گرو این ایده بوده است. خلق شخصیتی داستانی که راه‌ور سم دنیا را برنتابد. یک انسان طاعی اما معصوم. چیزی شبیه به هولدن کالفیلد، اما آن‌چه به نظر می‌رسد این است که مستور غافل مانده که کار نویسنده خلق کردن است، نه تقلید. در ادبیات جهان شخصیت‌های بسیاری خلق شده‌اند که به‌نوعی یادآور هولدن نوبلوغ و معصوم بوده‌اند. اما همگی آنها قصه منحصر به فرد و زبان خود را داشته‌اند و از پس همین زبان مناسب، ماندگار و بدیع شده‌اند. هیچ کدام زبان یک نوجوان ۱۶ ساله را نعل به‌نعل اقتباس نکرده‌اند، صرفا به این بهانه خنده‌دار که او بی سواد است و غریزی می‌نویسد. هیچ پسر بی سواد و ۲۵ ساله ایرانی نه این‌طور حرف می‌زند، نه می‌نویسد. حالا هر چقدر دیکته‌اش بد باشد یا درس نخوانده باشد یا پدر عشق فیلم و مادرش از هم جدا شده باشند. اینها منطق داستانی نمی‌شود.

➤ **#** مصطفی مستور، نویسنده فوق‌العاده محبوبی است. او مخاطبان خود را بیشتر، مردم عادی می‌داند و آرزو می‌کند کتاب‌هایش را از زبان خانه‌دار بخوانند. مصطفی مستور در یک نشست صمیمی با مخاطبان آثارش گفته: «خواننده‌های من یا به ادبیات نرسیده‌اند یا از ادبیات عبور کرده‌اند، یعنی کسانی که نوشته‌های مرا می‌خوانند، در اثر خواندن یک اثر ادبی با من ارتباطی نمی‌گیرند، بلکه بیشتر مشترکات ذهنی و روحی داریم... خواننده آرمانی من یک زن خانه‌دار است، کسی که اصلا در عمرش کتاب نخوانده و اگر بشنوم کتاب‌های مرا می‌خواند، خیلی خوشحال می‌شوم؛ البته این اتفاق تا حدی افتاده است.



ترجمه صربی «قصه‌های مجید» رونمایی می‌شود

شصت و چهارمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب بلگراد از ۲۸ مهر تا ۵ آبان ۱۳۹۸ برگزار می‌شود و از کتاب «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی که از سوی انتشارات اسلوژنی گلاسنیک به صربی ترجمه شده هم در این نمایشگاه کتاب رونمایی می‌شود. این کتاب با ترجمه الکساندر دراگوویچ از سوی انتشارات اسلوژنی گلاسنیک (بزرگ‌ترین ناشر دولتی صربستان) منتشر خواهد شد. این در حالی است که نام‌مرادی کرمانی علاوه بر این امسال در بین نامزدهای اعلام شده برای کسب جایزه آسترید لیندگرن هم قرار دارد. به گزارش ایبنا و به نقل از گاردین، نویسنده‌گان بریتانیا امسال بیشترین سهم نامزدهای اولیه گران‌ترین جایزه کتاب کودک کشور سوئد را داشتند. امسال در بین نامزدهای اعلام شده برای کسب جایزه آسترید لیندگرن ۲۰ نویسنده بریتانیایی، ۱۳ نویسنده سوئدی، ۱۲ نویسنده استرالیایی، ۱۱ نویسنده آمریکایی و ۱۰ نویسنده از کشور ایران حضور دارند. هیأت برگزارکننده این جایزه معتبر سوئدی ۲۲۷ نویسنده را به عنوان نامزدهای اولیه اعلام کرده است که نام‌مرادی کرمانی در کنار فرهاد حسن‌زاده، مهدی حاجوندی و محمدرضا شمس به عنوان نویسنده قرار دارد.

«از زندگی یک تک‌سر» یا «رمانی با یک طوطی»

رونمایی از چهره تازه روسیه



کتاب رمانی با یک طوطی نویسنده: آندری ولوس ترجمه: آبتین گلکار انتشارات: ماهی تعداد صفحات: ۱۶۸ قیمت چاپ اول: ۱۵۰۰۰ تومان

رمانی با یک طوطی که کتابی درباره قدرت نگرش سرمایه‌داری بر دانش و فرهنگ است اثری از آندری ولوس است. عنوان اصلی کتاب «از زندگی یک تک‌سر» نام دارد که طعنه‌ای به عقاب دوسر، از نمادهای حکومتی فدراسیون روسیه است، اما مترجم کتاب، آبتین گلکار با موافقت نویسنده از عنوان فرعی کتاب استفاده می‌کند، چرا که عنوان اصلی کتاب برای خواننده ایرانی دور از ذهن است. رمان آندرس ولوس که اصالتا تاجیک است از سوی نشر ماهی با اجازه نویسنده و خرید حق کپی‌رایت آن منتشر شده است. آندرس ولوس درباره زندگی خود در اواخر دهه ۱۹۹۰ می‌نویسد: «همه آن چه می‌توانم درباره خودم بگویم در چندسطر می‌گنجد. در دوشنبه به دنیا آمدم. آنجا مدرسه را تمام کردم. در پژوهشکده نفت درس خواندم. متخصص ژئوفیزیک شدم. حتی مدتی در همین رشته کار کردم. در جوانی شعر می‌سرودم. گاهی چاپ‌شان می‌کردند. مدت‌ها به ترجمه شعر تاجیکی مشغول بودم. اولین داستانم حدود... حتی یادم نمی‌آید حدود چندسال پیش منتشر شد. ده؟ دوازده؟ بعد نوبت به کتاب نثرم رسید... خلاصه، زندگی پیش می‌رود و تماشا هم وقف ادبیات نشده است. لابد به همین دلیل است که دوستانم درباره من می‌گویند: همان‌ی است که نویسدگی هم می‌کند.» این نویسنده پیش از این کتاب، رمان‌های زیادی به بازار عرضه کرد و توانست جایزه‌هایی مانند جایزه بوکر روسی، جایزه آنتی‌بوکر، جایزه دولتی فدراسیون روسیه و تعدادی دیگر را به ارمغان آورد.

آندری ولوس نویسنده‌ای است که با وجود آن که روسی‌الاصل است، به علت تولد در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، به مضمون‌های شرقی علاقه دارد. اولین رمانش «خرم‌آباد» است. خرم‌آباد نامی است که او به شهر دوشنبه داده است. کتابی هم که بیش از همه باعث شهرت او در روسیه شده است، «بارگشت به پنج‌رود» نام دارد که زندگی‌نامه خیالی رودکی است. این نویسنده در این اثر کل زندگی رودکی و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی زمانه او را از یک طرف با استناد به منابع تاریخی و از طرف دیگر با تکیه بر افسانه‌های رایج و تخیل شخصی خودش به تصویر می‌کشد و اثری ارایه می‌دهد که هر چند قابل استناد علمی نیست، ولی در ارایه فضایی واقعی از حیات اجتماعی بخارای زمان سامانیان کاملا قانع کننده به نظر می‌رسد. عجیب به نظر می‌رسد که رمانی با چنین موضوع «غیرروسی» مورد توجه طیف وسیعی از خوانندگان قرار بگیرد، ولی این اتفاق افتاد و رمان با استقبال کم‌سابقه‌ای روبه‌رو شد و جایزه بوکر روسی را در سال ۲۰۱۳ به دست آورد.

متنی که پشت جلد کتاب رمانی با یک طوطی آمده، به‌خوبی محتوای کتاب را منعکس می‌کند: کالاباروف یک روز در میان راهی دادگاه می‌شود، چون پیوسته به کتابخانه سوءقصد می‌کنند، گاهی به ساختمانش و گاهی هم به زمینش. گاهی شرکت نفت می‌خواهد در آن ساکن شود و گاهی شرکت گاز. گاهی می‌خواهند به جای کتابخانه جایگاه سوختگری با فناوری نانو درست کنند و گاهی پارک آبی. این سوءقصدها فعلا دفع شده است، ولی اگر روزی واقعا کالاباروف را برکنار کنند، چه کسی برای دفاع از کتابخانه سپر به دست می‌گیرد و شمشیر می‌زند؟

این رمان به سبکی طنز گونه از زبان یک طوطی به اسم سلیمان باگدانویچ روایت می‌شود. پرنده‌ای که وقتی در رمان از اسم عجیب و حتی احمقانه او صحبت می‌شود به خشم می‌آید و می‌گوید: «به اسم افتخار می‌کنم. ضمن این که اسم بنده از زیر پته در نیامده است، بلکه مثل بقیه چیزهای دنیا تاریخیهای دارد.» و سپس تاریخچه اسم خود را بیان می‌کند. البته سلیمان باگدانویچ ارتباطی با دیگر شخصیت‌های رمان برقرار نمی‌کند و فقط گاهی همه می‌ترسند که نکند تک کلمه‌ای احمقانه بگوید یا کار دیگری انجام دهد.

داستان رمان حول کتابخانه‌ای در مسکو و کارکنان آن جریان دارد، مدیر کتابخانه فردی به نام کالاباروف است که ادیبی فرهیخته و مدبری ست که تا به حال کتابخانه را با چنگ و دندان مدیریت کرده و مسائل کتابخانه را به خوبی به جلورده است. شب شعر برگزار



می‌کند و از دانش خود بقیه را هم بی‌بهره نمی‌گذارد. اما از مقامات بالا به‌ویژه از طرف ماکرووشکینا، مدیر کل وزارت کتابخانه‌ها، زیر فشار است تا استعفا دهد و دست از مدیریت این کتابخانه بردارد.

عاقبت کالاباروف زیر این فشارها تاب نمی‌آورد و بر اثر حمله قلبی جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. بعد از مرگ کالاباروف مدیریت کتابخانه به دست افسری اطلاعاتی و باز نشست به نام میلادسوف می‌افتد که در گذشته در بخش کارگزینی ارتش خدمت می‌کرده و هیچ سر رشته‌ای از ادبیات ندارد. او که برای کتابخانه خواب‌هایی دیده است تمام رشته‌هایی که کالاباروف در این چند سال رسیده بود، پنبه می‌کند. به عنوان مثال شب شعرهایی که به بهترین شکل ممکن برگزار می‌شد را به گند می‌کشد.

در این میان ساختمان کتابخانه که کمی پیش از شروع جنگ جهانی اول ساخته شده است و حتی نامش در بعضی از فهرست‌های میراث فرهنگی به چشم می‌خورد، وضع وخیمی دارد و به شدت نیازمند تعمیرات است. این قدمت مایه افتخار است اما باید مانع از خراب شدن خود به خودی و پوسیدگی آن شد. کتاب جنبه‌های مختلف دیگری هم دارد، اما مسأله مهم سر نوشت کتابخانه است که باید رمان را بخوانید تا ببینید چه اتفاقی خواهد افتاد. در میان شخصیت طوطی هم جالب توجه است که خواندن کتاب را لذت بخش ترمی‌کند.

درباره کتاب آندری ولوس

در قسمت دیگری از پشت جلد کتاب آمده است «آندری ولوس در این کتاب با نثری ساده و روشن به مسأله غلبه نگرش تجاری و سرمایه‌داری بر دانش و فرهنگ می‌پردازد، مشکلی که ظاهر ابعادی فراگیر و جهانی به خود گرفته است.» اما به نظر من این نکته تنها بخش محدود و کوچکی از رمان است. رمان بی شک یک رمان طنز سیاسی است. نویسنده به وضوح از سیستم سیاسی روسیه انتقاد می‌کند و در جایی می‌گوید: «هر کس در روسیه چیزی می‌فهمد حداقل دوبار سر و کارش به زندان افتاده.» بنابراین این کتاب نقدی کاملا واضح به سیستم نظامی روسیه و قدرت‌نش در عرصه‌های اجتماعی است. حتی جایی که چشمه‌ای از این قدرت باعث تخفیف ۵۰ درصدی از رستوران می‌شود.

این کتاب علاوه بر این موضوع در فضایی فرهنگی شکل می‌گیرد و انتقاد جالبی از قشر فرهنگی می‌کند. علاوه بر آن نقدی جالب در بر خور اجتماعی روس‌ها با تاجیک‌ها به نمایش می‌گذارد که نمونه مشابه آن را می‌توان رفتار ایرانی‌ها با افغان‌ها دانست.

اگر بخواهم از متن کتاب انتقادهایی که به موارد مختلف اشاره می‌کند نقل کنم باید حجم زیادی از کتاب را در این جا بنویسم، اما فقط به یک مورد که